

**Study of the statement of "national security" and "threats" based
on the opinions of some Faghih and leaders of the revolution**

Received: 28/02/2022

Accepted: 03/05/2022

Salman Shayanfar¹Abbas Samavati (Responsible Author)²Zohreh Nik Farjam³

(194-224)

Extracting and systematizing the views of Islamic thinkers and leaders on "national security and threats" according to the gaps and deep needs of Islamic societies is a committed step towards overcoming the existing challenges. This article, along with the tradition of "security research" and based on the method of "descriptive and analytical" research, has tried to explain the views of two groups of Faghihs - early Faghihs and contemporary scientists, especially Imam Khomeini and the Supreme Leader of the Revolution .

The data of the present study show that the statements of national security in the intellectual apparatus of religious leaders formed in each period according to the types and dimensions of threats against the Islamic realm and the lives of Muslims. Hence, in the approach of religious leaders, Ahkams and fatwas related to "security" based on "threats against it", the most important of which are:

1. In a consensus view, based on the book, tradition, consensus and reason, Foghahas and religious leaders have preferred "security" over all government Affairs, and in demarcating it with other schools, they have gone beyond the exclusive scope of government duties and in Addition Authorities have held Muslims accountable in the security process.
2. In the scientific logic and reasoning principles of the Foghahas, "security" has both attributes and the dignity of right and duty.
3. Under the influence of the conditions of the long period of colonialism and hegemony of the powers in the Islamic world, the "internal statements and elements" of the security discourse of the revolutionary leaders have emerged in opposition to the developmental discourse of the Western world.

Keywords: jurisprudential statements, national security, threats against national security, Figheh, Foghahas.

¹. PhD student of Jurisprudence and Principals of Islamic Law Department, Yadegar-e-Imam khomeini (RAH) shahre Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, mr.shayanfar@gmail.com.

². Assistant professor of Jurisprudence and Principals of Islamic Law Department, Yadegar-e-Imam khomeini (RAH) shahre Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Email: ab.sama@chmail.ir.

³. Assistant professor of Jurisprudence and Principals of Islamic Law Department, Yadegar-e-Imam khomeini (RAH) shahre Ray Branch, Islamic Azad University, Tehran, zohrehnik@gmail.com.



واکاوی گزاره‌های «امنیت ملی» و «تهدیدها» در آرای برخی فقها و رهبران انقلاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

سلمان شایان‌فر
عباس سماواتی
زهره نیک‌فرجام
(۱۹۴-۲۲۴)

چکیده

استخراج و نظام‌مند کردن آرای متفکران و رهبران اسلامی در باب «امنیت ملی و تهدید» بنا بر خلأها و نیازهای عمیق جوامع اسلامی، گامی متعهدانه در مسیر برون‌رفت از چالش‌هاست. این مقاله در امتداد سنت «امنیت‌پژوهی» و بر پایه روش تحقیق «توصیفی و تحلیلی» برای تبیین آرای دو طیف از فقها، فقهای متقدم و علمای متأخر، به‌ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب اهتمام ورزیده است. داده‌های پژوهش گویای آن است که گزاره‌های امنیت ملی در دستگاه فکری رهبران دینی، در هر دوره‌ای به تبع انواع و ابعاد تهدیدات ضد قلمرو اسلامی و حیات مسلمانان شکل گرفته است. از این رو، در رویکرد رهبران دینی، احکام و فتاوی مرتباً با «امنیت» بر اساس «تهدیدات علیه آن» پیشرفته است، که مهم‌ترین یافته‌های حاصل از آن گویای این حقیقت است:

۱. فقها و رهبران دینی در نگاهی اجماعی، مستند به کتاب و سنت، «امنیت» را بر همه امور و شئون حکومتی ارجح دانسته و در مرزبندی با مکاتب دیگر، آن را از حیطة انحصاری وظایف حاکمیت فراتر برده و افزون بر دولتمردان، آحاد مسلمانان را در پروسه تأمین امنیت مکلف و مسئول خوانده‌اند؛

-
- دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی علیه السلام شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ mr.shayanfar@gmail.com
- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی علیه السلام شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ab.sama@chmail.ir
- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی علیه السلام شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ zohrehnik@gmail.com

۲. در منطق علمی و مبانی استدلالی فقها، «امنیت» واجد هر دو خصیصه و شأن حق و تکلیف است؛
 ۳. تحت تأثیر شرایط دوران طولانی استعمار و سلطه‌جویی قدرت‌ها در جهان اسلام، «گزاره‌ها و عناصر درونی» گفتمان امنیتی رهبران انقلاب در تقابل با گفتمان توسعه‌طلبی جهان غرب تکوین یافته است.
- کلیدواژگان:** گزاره‌های فقهی، امنیت ملی، تهدیدات ضد امنیت ملی، فقه، فقها.

مقدمه

تأمین مصالح و منافع واقعی مسلمانان و نیل به سعادت و کمال یا قرب الی‌الله غایت مکتب فقه‌ای است و فقها از همین رهگذر، خود را ملتزم به پاسخ‌گویی، تحقیق، تبیین و تتبع در این حوزه دانسته و مبانی گفتمانی خود را متأثر از همین بینش برای تعالی و برآوردن نیازهای فطری انسان‌ها در مسیر کمال قرار داده‌اند (شریعت‌مدار جزایری، ۱۳۷۹: ۵-۶).

«امنیت» به‌عنوان یکی از مسائل اساسی در ساختار زندگی انسان‌ها و جوامع نزد فقها به‌عنوان شارحان اسلام مبین، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، و آن را در نظامات حکومتی با الهام از تعالیم الهی، والاتر از همه امور و شئون جامعه تعریف کرده‌اند. منظومه فقه شیعه در این باب، اختصاصاتی دارد که آن را از مشرب‌ها و مکاتب دیگر متمایز می‌سازد. تجربه مدیریت نظام اسلامی در ایران نیز طی دهه‌های اخیر تحت تأثیر پدیده جنگ تحمیلی، تحریم و جنگ اقتصادی در کانون تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های رهبران قرار گرفت.

انقلاب اسلامی مولود تفکر انقلابی و فقه اسلامی، «دین» را به‌عنوان محور و مدار تحولات سیاسی - اجتماعی برگزید که در عمل به معنای شکستن قالب‌های مرسوم و عبور از چهارچوب‌های تعریف‌شده در نظام بین‌الملل بود و بر مؤلفه‌هایی چون حاکمیت قوانین الهی، استقرار هنجارها و ارزش‌های دینی و استقلال همه‌جانبه ملت‌های مسلمان از قدرت‌های بیگانه تأکید می‌ورزید. ظهور این تفکر در جغرافیای سیاسی نقطه‌ای از خاورمیانه، در ساحت‌های مختلف به‌صورت تنوریک و پراتیک، الگوها و پارادایم‌های جاری امنیت بین‌الملل را به‌چالش کشید.

با عبور نظام اسلامی از دوران سخت جنگ تحمیلی، چالش‌های آن با جبهه معارض

غرب وارد مرحلهٔ بغرنج‌تری شد؛ به طوری که در همهٔ این سال‌ها، مقولهٔ امنیت و تهدیدات ضد موجودیت نظام و انقلاب اسلامی به ام‌المسائل جامعه تبدیل شد. از این رو، در برههٔ کنونی تدوین سند امنیت ملی یا دکترین جامع برای عبور از تهدیدات منبعث از اندیشه‌ها و آرای رهبران دینی به یک «دکترین عملیاتی» و «حقوق امنیت»، امری ضروری است. بدون تردید، مجموعه تقریرات و آرای فقها و رهبران دینی انقلاب مولد بنیاد نظام معرفتی جدید امنیت ملی را شکل می‌دهد و پیش‌ران تحول و حرکت در این مسیر است.

تعریف متغیرها

فقه: دانشی که کاشف شریعت الهی از مستندات چهارگانه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) است: «العلم بالاحکام الشرعیة عن ادلتها التفصیلیة» (شهید اول، ۱۴۱۷ق: ۳۰)؛ زیرا دین اسلام برای اصلاح و تنظیم نظام بشر از جانب خداوند فرستاده شده و فقه اسلامی در صدد رفع مشکلات امنیتی جوامع اسلامی و نظام جهانی است، که عملیات استنباط به‌عنوان یک حرکت از نصوص و مستندات معتبر به انگیزهٔ کشف شریعت انجام می‌شود، و بر شخصی که به استنباط احکام می‌پردازد فقیه می‌گویند. فقها و رهبران دینی به‌عنوان کاشفان شریعت، از کنار هم گذاشتن جزئیات استنباطات خویش، به آینه‌ای تمام‌نما از شریعت اسلام دست می‌یابند (علیدوست، ۱۳۹۴: ۲۶).

امنیت ملی: مقولهٔ امنیت ملی از لحاظ مفهومی مبهم و پیچیده و به‌شدت مناقشه‌برانگیز است. در این پژوهش، مقصود از امنیت ملی توانایی نظام سیاسی و مردم در دفع تهدیدها دربارهٔ حیات سیاسی، ارزش‌های هویتی و منافع ملی خود در برابر مخاطرات داخلی و خارجی است. در علم فقه به‌عنوان تنها راه مجرای تدوین شریعت در عصر غیبت، اصول مهمی آمده است که دلالت آشکار بر امنیت دارند؛ نظیر اصل و قاعدهٔ فقهی «لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷: ۳۷۶). به تصریح برخی دانش‌پژوهان، سنت مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، بسیار متنوع و عمیق است و شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی دارد، که در این باره می‌توان به گرایش‌های فلسفی، کلامی، اخلاقی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، عرفانی، ادبی و فقهی در مطالعات امنیتی اشاره کرد. در آثار فقهی، مفهوم

امنیت به کار برده شده و از مسائل امنیتی، فراوان سخن به میان آمده است. به طور کلی، در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر شده و متفکران مسلمان علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم کرده‌اند. فقه سیاسی مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی، قابل طرح است. در فقه شیعه، طبق یک طبقه‌بندی، شریعت به چهار بخش عقود، ایقاعات، احکام و عبادات تقسیم می‌شود. سیاست و امر سیاسی ذیل بخش احکام مطرح می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۰: ۴۵-۸۶).

تهدید: در لغت به معنای ترساندن، بیم دادن و تولید خطر است (دهخدا، ذیل واژه تهدید) و در اصطلاح به هرگونه ادراک، تصور، شرایط و حالاتی گفته می‌شود که به موجب آن، درباره نظام ارزشی و مسائل حیاتی کشور احساس خطر یا نابودی به فرد یا جامعه القا شود. درک چیزی به نام تهدید درکی پسینی،^۱ زمینه‌ای^۲ و نسبی^۳ است (نائینی، ۱۳۸۸: ۲۷).

پیشینه تحقیق

ابوالقاسم علیدوست در مقاله «چیستی دو مفهوم فقه امنیت و فقه امنیتی»، با روش مطالعه نظام‌وار و سیستمی، در پی فهم نگاه هنجاری و دستوری دین به امنیت است و با تکیه بر روش اجتهادی و واکای اسناد معتبر و متکی بر منابع چهارگانه فقه، به ترسیم و تبیین قلمرو امنیت در اسلام مبادرت کرده است (علیدوست، ۱۳۹۴: ۵-۲۶).

سیامک باقری چوکامی در مقاله «مرجع امنیت در اندیشه سیاسی و امنیتی رهبر معظم انقلاب»، معتقد است مرجع امنیت در اندیشه رهبر، چندبعدی و چندوجهی مرکب و مشتمل بر فرد، جامعه، دولت، امت و بشر است و ارزش‌های مقوم هریک از واحدهای پنج‌گانه را شامل می‌شود که ملهم و منبعث از بینش توحیدی و مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی است (باقری چوکامی، ۱۳۹۸: ۲۵).

1. Secondary.

2. Contextual.

3. Relative.

ابوالفضل احمدزاده در «پاسخ‌های فقه شیعه در خصوص نظم و امنیت»، نظم و امنیت در حراست از ارکان جامعه اسلامی را از ضروریات و مسلمات فقه شیعه می‌داند: فقها هر آنچه را که سبب گسست نظام و معیشت مسلمانان می‌شود، ممنوع و حرام می‌دانند و اموری را که برای نیل به حراست و نظم جامعه ضروری است، طبق قاعده لا ضرر ولا ضرار فی الاسلام، واجب می‌شمارند (احمدزاده، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۹۵).

شبان‌نیا و همکارانش در مقاله «راهکارهای فقه اسلامی برای ایجاد امنیت بین‌الملل»، ساختار مستبدانه و سلطه‌گرایانه نظام بین‌الملل را عامل اصلی چالش و ناامنی در نظام بین‌الملل می‌دانند و معتقدند: از آنجاکه اسلام بر اساس مبانی و اصول فقهی، هرگونه سلطه‌گری و استکبارگری را نفی کرده است، راهکارهایی مانند احترام متقابل دولت‌ها، اتحاد و همکاری میان ملت‌ها و مبارزه با دولت‌های سلطه‌گر را مولد استقرار امنیت در نظام بین‌الملل می‌داند (شبان‌نیا و جهان، ۱۳۹۹: ۷۰-۵۷).

رهبر و سوری در مقاله «دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی»، با تتبع در آیات، مهم‌ترین الزامات دستیابی به این سطح از امنیت را اصولی چون نفی استبداد و ظلم، برقراری عدالت و مقابله با اخلاک‌گران داخلی و جهاد با دشمنان خارجی معرفی کرده‌اند (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۸۵-۵۸).

موسوی و همکارانش در مقاله «مرجع امنیت از دیدگاه رهبر انقلاب»، با بررسی بیانات و مکتوبات معظم‌له، با ملاک‌هایی نظیر تصریح، تأکید و تکرار حول «مرجع امنیت ملی»، به این نتیجه رسیده‌اند که سه موضوع اسلام، ثبات کشور و استقلال اولویت بیشتری دارند و می‌توانند «مرجع امنیت» باشند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۱-۱۵۳).

فرامزی «عناصر شکل‌دهنده و مولد امنیت در اسلام» را با استناد به ساختار دینی جامعه ایران، در اجرا کردن اصول و تعالیم اسلامی به‌عنوان عنصر تعیین‌کننده در تأمین امنیت اجتماعی برمی‌شمرد و ایمان، قانون‌مداری، مشارکت و افزایش آگاهی اجتماعی را از سایر عناصر امنیت‌ساز نام می‌برد (فرامزی، ۱۳۹۷: ۱۲-۱).

حسن‌پور و همکارانش در پژوهش کاربردی قاعده فقهی «لا ضرر ولا ضرار» در امر امنیت ملی، معتقدند با اجرای این قاعده فقهی می‌توان هزینه‌های مدیریت جامعه را کاهش

داد و از مشکلات دامن‌گیر امنیت کاست، که قواعد فقهی به‌ویژه قاعده «لا ضرر و...» ظرفیت تحقق این هدف را دارند (حسن‌پور و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۱-۱۸۳).

زرگر و همکارانش در پژوهش «ابعاد و حدود سیاسی-اجتماعی امنیت در فقه سیاسی شیعه»، امنیت سیاسی ناظر به سیاست خارجی، قضایی و امور نظامی را جزو مختصات امنیت سیاسی در فقه ذکر می‌کنند و بُعد اجتماعی آن را شامل امنیت فرهنگی، هم‌بستگی اجتماع و مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌ها می‌دانند (زرگر و پازوکیان، ۱۳۹۸: ۹۷-۱۳۰). کاویانی در مقاله «نگاه قرآن کریم به مقوله امنیت ملی»، پس از بررسی آیات مرتبط با مقوله امنیت و بررسی الگو و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه به‌عنوان شهر امن، آورده است تهدیداتی که قرآن کریم بر نفی و مهار آن‌ها تأکید دارد تهدیدات اقتصادی و اجتماعی هستند. پس، باید همین تهدیدات را جدی گرفت (کاویانی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۵۰).

صرامی با طرح این پرسش که آیا امنیت در نگاه فقه امامیه «حق» است یا «حکم»، با بررسی امنیت در منابع و متون فقه و نقد نظریه «حق انگاشتن» امنیت، ادله مربوط به «حکم بودن» این مقوله را بیان می‌کند و می‌گوید امنیت در فقه حکم و امری تکلیفی است و هدف شارع مقدس بر ایجاد و تداوم امنیت استوار است (صرامی، ۱۳۹۷: ۵۰-۷۲).

مطالعات انجام‌شده بیشتر بر تعریف و چیستی مفهوم امنیت ملی یا گونه‌شناسی تهدید متمرکز شده و برای تبیین و توصیف آن‌ها، از داده‌های مکاتب علمی کلاسیک یا نو بهره جسته‌اند، که در این رشته تلاش‌های مطالعاتی، کمتر نشانی از تلاش برای استخراج نظرها و آرای فقهی دیده می‌شود. گرچه در تعدادی از مقالات و مطالعات انجام‌شده، کلیدواژه امنیت و مفاهیم معادل آن در آیات و روایات استخراج شده، گزاره‌های فقهی غالباً مغفول مانده است. این نوع تحقیقات که به روش گردآوری داده‌های متون دینی انجام شده، روشی مشخص است که با وجود کاربردهای آن در نشست‌ها و تریبون‌های عمومی، قابلیت تولید نظریه یا راهبرد علمی و عملیاتی را ندارد.

دسته‌ای دیگر از نویسندگان نیز به‌نوعی به تکیه‌نگاری در آرا و اندیشه بزرگان دینی درباره این موضوع اهتمام ورزیده‌اند یا آنکه از میان قواعد و اصول متعدد و پرشماری که در فقه معطوف به امنیت و تهدیدات است، به موردپژوهی مانند جهاد و نفی سبیل همت

گمارده‌اند. این مقاله این ادعا را دارد که در ابواب مختلف فقه، گزاره‌های متعددی وجود دارند که ناظر بر عوامل و ضوابط قوام و دوام امنیت ملی هستند که تاکنون به نحو شایسته مطالعه نشده‌اند. اغلب مطالعات پیشین به یکی از جنبه‌ها و ابعاد موضوع پدیده امنیت می‌پردازد و حول مقوله‌های امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌چرخد. در این مقاله، کوشش شده است تصویری جامع و دربرگیرنده از منظر فقه درباره موضوع امنیت و تهدید و به‌ویژه با نگاه حکمرانی اسلامی و رهبران و امامین انقلاب، حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، ارائه شود. همچنین، با واکاوی آرای فقها و رویکرد آن‌ها در حوزه امنیت و الزامات آن، فقه مقاومت و دفاع مشروع در کنار دیگر گونه‌های فقهی مقابله با تهدیدات به‌عنوان نقشه راه و الگوی راهبردی و راهبرانه در مواجهه با استکبار جهانی معرفی شود.

رهیافت نظری

آنچه از ادبیات نظری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پیداست، هریک از مکاتب فکری، دال مرکزی خود در بحث امنیت ملی را یکی از مؤلفه‌ها و «عناصر مادی یا معنوی قدرت» قرار داده‌اند. برخی نظریات «قدرت تکنولوژیک و رشد اقتصادی» را منبع و منشأ امنیت به‌شمار می‌آورند. طیفی دیگر به تأسی از سنت مکتب کلاسیک رئالیسم، «نیروی نظامی» را بازدارنده تهدید و عامل تأمین امنیت قلمداد می‌کنند.

مکاتب سوسیالیستی «رفاه اجتماعی و عدالت توزیعی» را رکن و شالوده امنیت ملی به‌حساب می‌آورند (حاجیان، ۱۳۸۱: ۵-۱۰). مکتب کپنهاگ و مکتب «سازه‌نگاری» امنیت ملی را بر محور هویت و ارزش‌ها تعریف کرد. در نگاه مکتب مک‌میلان، امنیت ملی تعریفی مشابه نحله کپنهاگ دارد که کارویژه امنیت را حفظ هویت فرهنگی و ارزش‌های جامعه می‌شمارد و می‌گوید: امنیت ملی چیزی جز «توان دفاع و حفاظت از ارزش‌ها و شهروندان یک ملت» نیست. رابرت ماندل برداشتی دولت‌محور از امنیت ملی دارد و آن را جزو تکالیف حکومتگران برمی‌شمارد: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است تا از بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و

شیوه زندگی شهروندان خود در برابر تهدیدات مستقیم خارجی صیانت به عمل آورد» (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷۵-۲۵۵).

در سیر مطالعات امنیت‌پژوهی، طیف دیگری از محققان این مقوله را به ساحت زندگی اجتماعی کشانده و سعی کرده‌اند ترجمان مردم‌محور از امنیت ملی ارائه کنند با این هدف که این مقوله پشتوانه و ضامن تحقق «منافع ملی» کشورها باشد. فرانکان تراگر و اف. ان. سیمونی، دو محقق سرشناس، در این زمینه می‌نویسند: «امنیت ملی آن بخش از سیاست دولت است که هدفش ایجاد مساعدت سیاسی ملی و بین‌المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه است» (همان: ۲۵۸). همان‌گونه که در بررسی مفهوم «امنیت» دو نوع «گفتمان ایجابی و سلبی» وجود دارد، «امنیت ملی» را نیز می‌توان ناظر به این دو گفتمان بررسی کرد. گفتمان ایجابی بیشتر بر کسب ارزش‌ها تأکید می‌کند، در حالی که در گفتمان سلبی از به‌صفر رساندن خطر یا مقابله با تهدیدات سخن می‌رود.

در مقابل این نحله‌های فکری، دیدگاه‌های رایج در علوم اسلامی است. سنت مطالعات امنیتی در آن، بسیار متنوع و عمیق است و شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی دارد، که در این باره می‌توان به گرایش‌های فلسفی، کلامی، اخلاقی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، عرفانی، ادبی و فقهی در مطالعات امنیتی اشاره کرد. در آثار فقهی، از مفهوم امنیت و از مسائل امنیتی سخن‌ها به‌میان آمده است. به‌طور کلی، در سنت اسلامی از دانش سیاسی به «علم مدنی» تعبیر شده است و متفکران مسلمان علم مدنی را به دو بخش فلسفه مدنی و فقه مدنی تقسیم کرده‌اند. فقه سیاسی مواجهه دوسویه زندگی سیاسی و نصوص اسلامی از طریق زبان و دستگاه فقه است. فقه امنیت در ادامه چنین دیدگاهی قابل طرح است. در فقه شیعه، طبق یک طبقه‌بندی، شریعت به چهار بخش عقود، ایقاعات، احکام و عبادات تقسیم می‌شود. سیاست و امر سیاسی ذیل بخش احکام مطرح می‌شود (لکزایی، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۹).

قابطه اندیشمندان اسلامی تصریح کرده‌اند که غایت فقه با عنایت به مصالح خمس (حفظ نفس، دین، مال، نسب و عقل) (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۱: ۸۳)، تأمین امنیت انسان است که این هدف نیز در گرو تحقق چهار علت (مادی، صوری، فاعلی و غایی) است (لکزایی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۴۵-۸۶). چهارچوب این نظریه یعنی علل اربعه از سنت

مطالعاتی فلسفه اسلامی گرفته شده است. از منظر فلاسفه اسلامی، هر پدیده و امر حادثی اعم از حقیقی یا اعتباری (مانند امنیت ملی) برای تحقق در خارج، نیازمند فراهم آمدن چهار علت مادی، صوری، فاعلی و غایی است (مطهری، ۱۳۸۹، ۶: ۶۷۶-۶۸۰).
براین اساس، در نحله‌های فکری غربی با محوریت مکتب واقع‌گرایی یا رئالیسم عنصر قدرت با محوریت اقتدار نظامی، در مکتب لیبرالیسم کلاسیک مهار دولت با نظامات و رژیم‌های حقوقی، در مکتب کپنهاگ دولت به‌عنوان محور امنیت و در مکتب سازه‌نگاری هویت و فرایندهای درونی جامعه محور امنیت معرفی شده است؛ حال آنکه در اندیشه دینی و در مکتب فقاقت ارزش‌ها و باورهای توحیدی و اعتقادی به‌عنوان عنصر محوری نظریه امنیت بیان شده است.

روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع فقهی در ادوار مختلف، نصوص دینی، منابع روابط بین‌الملل پس از گردآوری داده‌های فقهی و امنیتی و استخراج نکات اساسی و تأثیرگذار و دسته‌بندی و تنظیم آن‌ها، به بیان دیدگاه‌ها و آرای برخی فقهای متقدم و معاصر پرداخته است.

یافته‌های تحقیق

سنت مطالعات امنیتی در فقه امامیه مبتنی بر دو حوزه فردی و اجتماعی در تولید امنیت یا بروز تهدیدات است که در اندیشه فقهای متقدم، معاصر و نیز رهبران دینی انقلاب به‌وضوح مشاهده می‌شود که با غور در آثار و نوشته‌های آن‌ها ذیل عناوین و سرفصل‌های گوناگونی همچون جهاد، دارالاسلام یا دارالعدل، دارالکفر یا دارالحرب، قاعده نفی سیل، بغی، محاربه، اغتیال و حفظ بیضه مسلمین و مرابطه اشاره شده است.

امنیت طبق دیدگاه فقها، در مرکز تصمیمات و وظایف حکومت اسلامی است که برای تضمین حیات دینی و دنیوی مسلمانان اندیشیده شده است. شیخ کلینی امنیت را در قالب مطلوبیت شرعی تبیین می‌کند: «لا تفرقه الدین مفرقه الامن فلا یتنهنا بحیاه مع مخافه» (کلینی، ۱۳۶۳، ۱: ۲۷). نیز از امنیت به‌عنوان «مبنای دین‌داری» یاد شده و به

مطلوبیت آن به اندازه مطلوبیت دین‌داری توجه شده است. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: از منظر اسلام، در آیات متعددی به ضرورت وجود امنیت در زندگی اجتماعی تأکید شده و بر همین اساس، «امنیت نخستین و مهم‌ترین شرط یک زندگی سالم و اجتماعی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ۱۲: ۵۳۹).

در گزاره‌های فقهی هر جا که از واژه حفظ در مصالح‌خمس یاد شده، به نوعی ناظر بر تأمین امنیت در برابر تهدید است. حفظ دین، حفظ جان، حفظ مال و حفظ آبرو در حوزه فردی گویای ضرورت و وجوب دفع تهدیدات از منظر فقه، و مقابل تهدیدات آن حوزه‌هاست.

گزاره‌های امنیت در نظریات فقهی متقدم: شهید اول، شهید ثانی تا حر عاملی

منبع الهام امنیت در اندیشه فقهی متقدم کلام الهی و سرچشمه‌های اصلی امنیت یا تهدید و ناامنی، در تقرب به خداوند یا دوری از اوست. از منظر آن‌ها، دفع تهدیدات امنیتی به مثابه یک فریضه دینی، بُعد تکلیفی (الزام‌آور بودن اجرای احکام توسط افراد و کارگزاران) و هویت‌بخش (به‌ویژه در اشکال عبادت‌ها و تکالیف جمعی) دارد. شهید اول امنیت را در حوزه مصالح و احکام ناظر به این مصالح یا ضروریات پنج‌گانه تعریف می‌کند. ایشان نظامات سیاسی را از «وسایلی» تلقی می‌کند که مصالحی «تبعی» دارند و «احکام» آن‌ها تابعی از حفظ مصالح‌خمس است که برای تأمین این مصالح وضع شده‌اند. «حفظ نفس، حفظ دین، حفظ عقل، حفظ نسب و حفظ مال» مقاصد یا ضروریات‌خمس از منظر شهید است (شهید اول، ۱۴۱۷ق، ۱: ۳۸). براین اساس، هر نوع اقدامی که ضد یکی از مقاصد یا ضروریات‌خمس صورت گیرد و به آن‌ها هجوم برد، در واقع تهدید ضد امنیت محسوب می‌شود.

شکل شماره ۱. گزاره‌های امنیت در اندیشه شهید اول



(منبع: یافته‌های پژوهش)

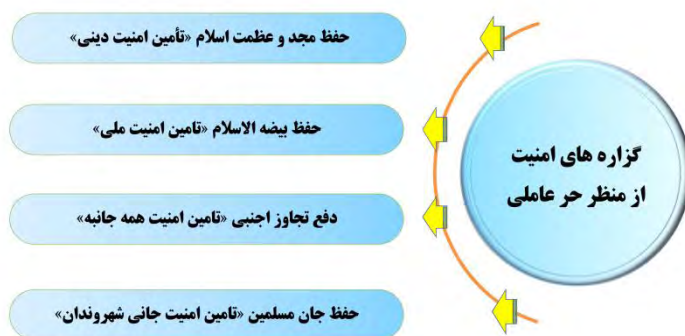
امنیت در نگاه احمد عاملی مشهور به شهید ثانی در کتاب مشهور الروضة البهیه در قالب «جهاد دفاعی» تبلور یافته است؛ جهادی که با هدفی مقدس، مولد امنیت در بین امت اسلام معرفی شده است. جهاد دفاعی از نگاه این فقیه، بر چند نوع است: دفاع از کشور اسلامی و اموال مسلمانان در زمانی که کافران تهاجم کرده باشند و ترس استیلای آن‌ها بر کشور اسلام و اموال مسلمانان وجود داشته باشد؛ دفاع از اسلام در زمانی که کافران برای نابود کردن دین و اصل اسلام، به جامعه اسلامی هجوم آورده باشند؛ دفاع از نفس محترم مسلمان یا کافر ذمی که در خطر افتاده است؛ دفاع اسیر از خود در میان دشمنان کافر و دفاع از پیشوای دینی و امام معصوم علیه السلام در هنگامی که مورد تهاجم دشمن قرار گیرد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۳۲۹).



شکل شماره ۲. گزاره‌های امنیت در اندیشه شهید ثانی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

شیخ حر عاملی، صاحب اثر بزرگ وسائل الشیعه، نظرهایش در باب امنیت را تحت عنوان دفاع و جهاد بیان کرده است. ایشان با تبیین ارزش و قداست جهاد، تفاوت ماهوی آن با نوع جنگ و نزاع در مکاتب دیگر را آشکار می‌سازد. وی با استناد به تعالیم نبوی که فرموده است «در راه خدا جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای نسل‌های آینده به ارث گذارید» و نیز این رهنمود که «ارزش‌های بزرگ همه در شمشیر و زیر سایه آن است. شمشیرها کلیدهای بهشت و جهنم هستند» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۱: ۱۶)، حکم و جواز جهاد و دفاع از کشور را حتی با وجود حکومت غیراسلامی در صورت حمله اجنبی و خوف هدم بیضه اسلام یا ریختن دمای مسلمانان صادر می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۲: ۳۰).



شکل شماره ۳. گزاره‌های امنیت در اندیشه حر عاملی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

میرزا محمد حسین نائینی

الگوی رایج در تقسیم نظام‌های سیاسی تا پیش از آیت‌الله میرزای نائینی، الگوی دوگانه عادل و جائز بود؛ یعنی فقها با معیار رفتار و مشی حاکمان، حکومت‌ها را به دو دسته عدل و جور تقسیم می‌کردند. نائینی برای نخستین بار این الگو را ارتقا داد. او به جای عدالت، آزادی و امنیت شهروندان را مطرح و نظام‌های سیاسی را به دو نوع ولایتیه و تملیکیه تقسیم کرد. از منظر ایشان، کارویژه حکومت حفظ امنیت اسلام و مردم است؛ چراکه «شریعت مطهره حفظ بیضه اسلام را از اهم جمیع تکالیف، و حکومت اسلامی را از وظایف و شئون امامت مقرر فرموده است. واضح است تمام جهات راجع به توقف نظام عالم، به اصل حکومت و توقف حفظ شرف و قومیت هر قومی، به امارت نوع خودشان، به دو اصل منتهی است: اول، حفظ نظامات داخلیه مملکت و تربیت نوع اهالی و رسانیدن هر ذی‌حقی به حق خود و منع از تعدی آحاد ملت؛ دوم، تحفظ از مداخله بیگانگان و تحذر از حیل معمول در این باب و تهیه قوه دفاعیه و ابزار جنگی و غیر ذلک؛ و این معنا را در لسان متشرعین "حفظ بیضه اسلام" و سایر ملل "حفظ وطن" خوانند» (نائینی، ۱۳۸۲: ۴۹-۵۰).

حفظ نظامات و مطالبات و منافع مردم بر اساس آموزه‌های دینی در حوزه‌های فردی و اجتماعی اصلی‌ترین و عنصری‌ترین مؤلفه در نگاه فقهاست. قدری تدقیق نشان می‌دهد

فقهای متقدم با تأکید بر دو واژه «حفظ» در مقابل «تهاجم»، تحقق جهاد دفاعی یا به عبارتی دفع تهدیدات را متوقف بر عنصر تهاجم دانسته و آن را نوعی واکنش در برابر کنش اشغالگران و متجاوزان معرفی کرده‌اند که تابع شرایطی خاص جنبه‌ی وجوب می‌یابد.



شکل شماره ۴. گزاره‌های امنیت در اندیشه آیت‌الله نائینی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

گزاره‌های امنیت در اندیشه متفکران دینی معاصر: شهیدان مطهری و بهشتی

در میان اندیشمندان معاصر، فرازهایی از نظریه‌های حکومتی و فقهی دو متفکر شهید انقلاب، آیت‌الله مرتضی مطهری و آیت‌الله بهشتی، معطوف به امنیت و نحوه‌ی رهایی انسان‌ها و مسلمانان از تهدیدات است. بر اساس اندیشه استاد مطهری، مرجع امنیت یا آنچه باید امنیت آن حفظ شود اسلام است. در شرایط عادی، امنیت اقتصادی برای همه مسلمانان مهم است، اما در شرایط تراحم جان مسلمان یا مال، معتقد است جان مهم‌تر است. با وجود این، اگر سرزمین اسلامی تهدید شود، مسلمان جان خود را برای سرزمین اسلام فدا می‌کند. از دیدگاه استاد مطهری، امنیت در گرو ایمان است و این ایده وجه تمایز او با سایر مکاتب امنیتی است. از نظر شهید مطهری، رابطه‌ای عمیق میان امنیت با ایمان و تقوا وجود دارد که در مناسبات فردی و اجتماعی ایجاد می‌شود. تقوا به انسان و جامعه «امنیت معنوی» می‌بخشد و او را در برابر آسیب‌ها و خطرهای فردی و اجتماعی مصون می‌کند. شهید مطهری با الهام از آیات قرآن کریم و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام، بر این عقیده است که مطلوب امنیت در سایه حریت و آزادی معنوی به دست می‌آید. راه تأمین امنیت از نگاه این فیلسوف اسلامی، رهایی از وابستگی و رقیتهاست (مطهری، ۱۳۶۳: ۶۰).

ایشان پس از تقوا و آزادی معنوی، دومین پایه تحقق امنیت و نظم را «عدالت» می‌خواند. عدالت امنیت‌ساز به باور این فیلسوف اسلامی، در سایه مطالبه و تلاش توأمان مردم و حکومت محقق می‌شود. او می‌فرماید: اگر مردم و حکومت بر تحقق و استحکام اصل عدالت اصرار بورزند، نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنانچه آن را پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و درنهایت، به ظلم و ستم و در نتیجه، به سقوط و انحطاط و بی‌امنی خواهد انجامید (مطهری، ۱۳۶۳: ۱۱۱).

این نکات نشان می‌دهد که نگاه استاد مطهری به امنیت، هم سلبی است هم ایجابی. وجوه ایجابی امنیت از نظر ایشان عبارت‌اند از: ایمان، آزادی، عدالت، تعلیم و تربیت، معنویت، استقلال و... . وجوه سلبی امنیت نیز شامل عدم تعرض دشمنان بیرونی، استبداد، ظلم، از خودبیگانگی، وابستگی و... است. شهید مطهری با نفی انگاره‌های غلطی چون ادعای تفوق نژادی، قومی، اهداف شوم مانند تصرف سرزمینی، منابع و امکانات ملل دیگر با تهاجم و یورش به آن‌ها و نیز زیر سؤال بردن حریت و آزادی انسان‌ها، به‌عنوان تهدیدات ضد امنیت فردی و ملی، آغازگر این رفتارها را مخاصم و عمل او را تهاجم می‌داند و از آن به جنگ بد تعبیر می‌کند و در مقابل، دفع این تهاجمات و مقابله با آن‌ها را عمل دفاعی ارزیابی می‌کند و آن را نه تنها حرام نمی‌داند، بلکه از باب قاعده نفی سبیل و مقابله به مثل با دشمن، بهره‌گیری از تمام سازوکار دفاعی را مشروع و مجاز می‌داند و از آن به‌عنوان جهاد دفاعی نام می‌برد (مطهری، ۱۳۸۹، ۲۰: ۲۱۹-۲۲۲).



شکل شماره ۵. گزاره‌های امنیت در اندیشه شهید مطهری

(منبع: یافته‌های پژوهش)

آیت‌الله شهید بهشتی در باب امنیت به تبع منطق کلامی و فقهی‌اش، نگرشی با جوهره «الهی و متعالی» دارد. از منظر این اندیشمند انقلاب، جهاد در عرصه‌ها و سطوح گوناگون، تأمین‌کننده امنیت ملی است. امنیت ملی امنیت همه‌جانبه‌ای است که زمینه رشد و تعالی همه اعضای جامعه و کشور را فراهم می‌کند. از این رو، با تشکیل حکومت اسلامی به دست پیامبر ﷺ در مدینه، غارت دوران جاهلی به امنیت و استثار بدوی و امتیازخواهی‌های آن به «تمدن ایثار» تبدیل شد. به نظر شهید بهشتی، نظام سلطه به رهبری شیطان بزرگ، مهم‌ترین تهدید برای امنیت جهانی است. راه‌حل این تهدید نیز آگاهی مستضعفان جهان، گسترش اسلام حقیقی در میان مسلمانان، اتحاد مسلمانان و مبارزه با نظام سلطه است. بیداری آغاز مبارزه با تهدیدات در تمام سطوح و ساحت‌هاست. پس از آن، گام‌های دیگری قرار دارد تا به توحید برسیم که قرین امنیت واقعی است. اگر عدالت در نفس انسان مستقر شد، ایمان و به تبع آن، امنیت درونی که منشأ امنیت بیرونی است، تحقق یافته است. این، یگانه راه برای تأمین امنیت حقیقی در همه سطوح و ساحت، از جمله در سطح جهانی است (لکزایی، ۱۳۹۲: ۲۴).

شهید بهشتی بر این دیدگاه تأکید می‌ورزد که قدرت مادی نمی‌تواند به‌تنهایی امنیت به‌ارمغان آورد؛ زیرا امنیت وقتی معنا می‌یابد که انسان احساس کند همه بندها که بخشی از آن‌ها بندها و قیودات مادی و درونی است از میان برداشته شده است (لکزایی، ۱۳۸۰: ۵۷). امنیت نظام سیاسی یکی از پیش‌نیازهای مهم سایر ابعاد امنیت (اعم از امنیت عمومی، فردی، اقتصادی، اجتماعی و...) است. از این رو، پایه‌ای‌ترین و قدیمی‌ترین مبحث امنیت پژوهی محسوب می‌شود. قاطبه فقها به موضوع صیانت از نظام سیاسی توجه کرده‌اند. هسته مرکزی (مرجع) تفکر امنیتی فقه امامیه همانا حفظ انتظام و انسجام و یک‌پارچگی جامعه و هویت جمعی آن است (لکزایی و حاج‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۲۳).



شکل شماره ۶. گزاره‌های امنیت در اندیشه شهید بهشتی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نگاهی اجمالی به آرای دو اندیشمند فقید شهید که از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی ایران بودند نشان می‌دهد که گزاره‌هایی چون گرایش به مادگرایی، نفی عدالت و تضعیف شقوق آن، پذیرش سلطه اجانب و اصالت‌بخشی به مادیات و نفسانیات درونی و برتری‌جویی‌های ملیتی از گزاره‌های اساسی تهدید ضد امنیت است. آن‌ها هر دو با محوریت اصالت اسلام و ضرورت اهتمام مسلمانان به انتظام اسلامی، با نگاهی فراملیتی، عامل‌رهایی مسلمانان را عمل به اصول اسلامی چون تقوای پیشگی، نفی ظلم و استبداد و برقراری عدالت می‌دانند.

گزاره‌های تهدید و امنیت ملی در تفکر رهبران انقلاب اسلامی

استکبار جهانی در طول سالیان متمادی با تلاش‌های همه‌جانبه خود هویت اسلامی و ملی ملت ایران را به تاراج برد و از آن‌ها انتظار سرسپردگی، وابستگی و انفعال داشت و هرگاه قیام و تحرکی توسط مردم انجام می‌شد، با ایجاد مخاطرات فراوان، آن‌ها را وادار به عقب‌نشینی و سکوت می‌کرد (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۹). تشریح اهمیت این موضوع مستلزم تدقیق در آرای امامین انقلاب بود که به این شرح بیان می‌شود.

گزاره‌های تهدید و امنیت ملی در اندیشه امام خمینی

تحقق امنیت چه در ابعاد وسیع و تام آن و چه در ابعاد خرد و حداقلی آن که همانا برقراری نظم و حفظ آرامش ظاهری جامعه و شهروندان است، مستلزم تشکیل حکومت به‌عنوان ابزاری برای اجرا در اندیشه امام خمینی است (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). تشکیل حکومت اسلامی، اجرای احکام اسلام، اجرای عدالت و بسط توحید ناب و معرفت خدا مهم‌ترین اهداف امنیت در اندیشه امام است. از منظر امام، امنیت دو بعد معنوی (اخروی) و مادی (دنیوی) دارد که ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی، نظامی، هستی‌شناسی و هویتی و زیست‌محیطی همه از زیرمجموعه‌های بعد مادی و دنیوی امنیت محسوب می‌شوند که به تعبیر ایشان، «همه این‌ها مقدمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش، یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود. آن چیزی که اساس است سیر الی‌الله است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۵۱).

امام خمینی معتقدند تهدیدهای امنیت چندلایه و مرکب است، که خاستگاه آن‌ها در تهدیدهای درونی و بیرونی نظام است (کریمی مله و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳-۱۰۹). از منابعی همچون طواغیت، استضعاف، وابستگی و تفرقه ناشی می‌شود و از ظلم‌پذیری، بی‌نظمی، سلطه‌پذیری، خشونت، منازعه خودکامگی، وحشت و... به‌عنوان برخی متغیرهای ناامن‌ساز در مکتب امنیتی امام خمینی یاد شده است (فرزندی، ۱۳۹۹). از نظر ایشان، ایمان به خدا، حکومت و نظم، عدالت و پیشرفت، تربیت، حریت، استقلال، آزادی، قدرت، مشارکت مردمی و وحدت، روحانیت اصیل و تربیت دینی و نهادهای اثرگذار آموزشی متغیرهای امنیت‌ساز و رافع تهدیدات ضد امنیت ملی محسوب می‌شوند (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۲۰۰).

مرجع امنیت در نگاه دینی خداست و منبع تولید تهدید دولت‌های جائرنده (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۴). هدف تهدید جلوگیری از تشکیل حکومت و مقابله با عدالت است (همان، ج ۲۰: ۱۹۰). از این رو، حضرت امام مباحث مرتبط با واژه‌های تهدید و امنیت را در کتاب امر به معروف و نهی از منکر تحت عنوان احکام دفاع در دو دسته دفاع از سرزمین و دفاع از خود ذکر کرده و دفاع از سرزمین را منوط به ترس از استیلای دشمن،

واجب و دفاع از خود را در صورت خوف جانی، واجب و در سایر ابعاد، با رعایت جوانب و ملاحظات خاص متفاوت دانسته‌اند (محمودی، ۱۳۹۲: ۹۵-۱۲۳). امام خمینی علیه السلام با استناد به قاعده نفی سبیل و آیه شصت سوره انفال، با تجویز راهبرد «استکبارستیزی (مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و استکبار) و حمایت همه‌جانبه از مستضعفان عالم»، افق‌های نوینی در جغرافیای مقاومت اسلام گشودند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۵۱).

از نگاه ایشان، امنیت مردم مسلمان ایران با امنیت و منافع دیگر مسلمانان پیوند خورده است. براین اساس، مفهوم «امت» را در کنار مفهوم «ملت» می‌نشانند. به عبارت دیگر، «امنیت مکتب» را همپای امنیت مملکت می‌خوانند: «اگر امریکا بریزد و ما را از بین ببرد، به نظرم خیلی چیزی نیست. البته عظیم است، اما از او عظیم‌تر شکست در مکتب است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۸).

سایر گزاره‌های امنیتی از منظر امام عبارت‌اند از:

امنیت به مثابه رکن توجیهی تشکیل حکومت اسلامی: امام خمینی علیه السلام در تدوین نظریه ولایت فقیه، یکی از مبانی و ارکان این نظریه را امنیت و دفاع قرار دادند و با استنتاج احکام سیاسی و اجتماعی از بطن شریعت، به ویژه احکام دفاعی و امنیتی، بنیاد نظریه حکومت اسلامی را معماری کردند. ایشان تصریح می‌کنند: احکام راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام، جملگی بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ مثل «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ۳۴).

امام خمینی علیه السلام همچنین در کتاب البیع، شش دلیل برای تشکیل حکومت اسلامی آورده‌اند که وجه غالب آن‌ها حول مقوله‌های امنیتی می‌چرخد. ایشان فرموده‌اند:

فإن لزوم الحكومة لبسط العدالة، والتعليم والتربية، وحفظ النظم، ورفع الظلم، وسد الثغور، والمنع عن تجاوز الأجنبي من أوضاع أحكام العقول، من غير فرق بين عصر وعصر، أو مصر ومصر (موسوی خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۲۱).

ادله ضرورت حکومت اسلامی عبارت است از: گسترش عدالت، گسترش تعلیم و تربیت، حفظ نظم، رفع ظلم، حفاظت از مرزها و جلوگیری از تجاوز بیگانگان. ایشان در نظریه‌ای که بازتاب‌های گسترده در محافل اسلامی پیدا می‌کند، «مرجع و

غایت امنیت» را دین اسلام قرار دادند. البته در سنت مطالعات فقهی امنیت، معمولاً حفظ دین بالاتر از حفظ جان، حفظ جان بالاتر از حفظ خرد، حفظ خرد بالاتر از حفظ نسل و حفظ نسل بالاتر از حفظ مال شمرده می‌شود، اما بنیان‌گذار انقلاب این ایده را به صورت دکترین تبیین می‌کنند:

ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی مان بارها اعلام کرده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما به دنبال ترویج نظام اسلام و رسول الله ﷺ در جهان استکباری هستیم و دیر یا زود ملت‌های آینده شاهد آن خواهند بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰: ۲۳۸).

نیز در جای دیگر می‌فرماید: «اسلام را همه باید حفظ بکنیم؛ بر همه ما حفظ اسلام واجب است» (همان، ج ۲۱: ۱۲۱):

جایگاه امنیت در تئوری مصلحت و احکام ثانویه: بنیان‌گذار انقلاب در طراحی تفکر امنیتی نظام جمهوری اسلامی، به ارائه فتاوا و آرای سنت‌شکنانه و بدیع روی می‌آورند؛ فتاوایی که ایشان را در جایگاهی فراتر از همه فقها و مراجع دینی می‌نشانند و موجب می‌شود جمهوری اسلامی واجد یکی از مبانی تئوریک مترقیانه در حوزه امنیت ملی شود:

وقتی که اسلام در خطر است، همه شما موظف‌اید که با جاسوسی حفظ بکنید اسلام را. وقتی که حفظ دمای مسلمین بر همه واجب باشد، اگر فرض کنید که حفظ جان یک نفر مسلمانی، حفظ جانش وابسته این است که شما شرب خمر کنید، واجب است بر شما، دروغ بگویید، واجب است بر شما. احکام اسلام برای مصلحت مسلمین است، برای مصلحت اسلام است (همان، ج ۱۵: ۱۱۷):

دفاع از اصل ولایت فقیه و حفظ نظام: بنیان‌گذار انقلاب در کلام تاریخی که به‌عنوان تابلو راهنمای سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام قرار گرفت، حفظ نظام را از اوجب واجبات خواندند. در گفتار مهم دیگر به‌عنوان توصیه و وصیت سیاسی فرمودند: «من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد» (همان، ج ۱۰: ۵۸):

دفاع از مرزهای هویت دینی و فرهنگی به‌عنوان یکی از ارکان امنیت: در نگاه رهبران انقلاب، هویت دینی و فرهنگی به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی مطرح شده است. «فرهنگ پایه بودن امنیت» در نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که بنیان‌گذار انقلاب در آخرین کنش نوشتاری خود، بهترین راه غارت کشور توسط دشمن را «غرب‌زدگی» در محافل علمی می‌دانند و تأکید می‌کنند که نجات دانشگاه (و مراکز گفتمان‌ساز) از انحراف، نجات کشور و ملت است (موسوی خمینی، ۱۳۹۳: ۳۴).

قابطه فقهای شیعه دفاع از مرزهای عقیدتی و فرهنگی اسلام را فریضه دانسته‌اند؛ همان‌گونه که دفاع از کشور اسلامی و جان و مال مسلمان را واجب شمرده‌اند. امام با الهام از قاعده متقن «نفی سبیل»، خط قرمز امت اسلامی را سلطه‌جویی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی غرب می‌خوانند:

اگر ترس این باشد که دشمن می‌خواهد استیلای سیاسی و یا اقتصادی بر حوزه اسلام داشته باشد و در نتیجه، مسلمان‌ها را به اسارت سیاسی و اقتصادی برساند و یا اسلام و مسلمین را ناتوان کند، واجب است بر تمام مسلمان‌ها با وسایل مشابه با آن‌ها به دفاع برخیزند و با مقاومت‌های منفی مانند نخریدن کالای آن‌ها، مصرف نکردن تولیدات آن‌ها و ترک ارتباط‌ها، تسلیم خواسته آن‌ها نگردند (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۲۱)؛

عنصر ایمان و فرهنگ شهادت؛ عناصر اصلی بازدارندگی در برابر تهدیدات: در خصوص عناصر مولد اقتدار و امنیت ملی، امام خمینی علیه السلام بیش از هر چیز، بر عنصر ایمان و فرهنگ ایثار و شهادت طلبی تکیه می‌کنند. ایشان قوی‌ترین نیروی بازدارنده در برابر تهدید و پشتوانه اصلی امنیت ملی را ایمان و باورهای دینی می‌دانند: «از هیچ‌یک از این قدرت‌هایی که در عالم هستند و ارباب می‌کنند ملت ما را، ما نمی‌ترسیم؛ برای اینکه ما برای خدا قیام کردیم، ملت ما برای خدا قیام کرده است و ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی‌ترسد و آسیب نمی‌بیند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۲۶). شهادت، شهادت طلبی یا تعبیری که امام با عنوان «دست‌های خالی» به‌کار می‌برند، عناصر اصلی تفکر ایشان در حوزه امنیت ملی را می‌سازد که در پاسخ تهدید کارتر به حمله نظامی می‌گویند: «ما مرد

جنگیم؛ ما مرد مبارزه هستیم. ما جوان‌هایمان با مشت معارضه و مبارزه کرد با تانک‌ها و توپ‌ها و مسلسل‌ها. ما را آقای کارتر از مبارزه نترساند. ما اهل مبارزه هستیم. ولو نداشته باشیم ابزار مبارزه، لکن بدن داریم در مقابل اینکه ما را بزنند، و این را عمل خواهیم کرد» (همان، ج ۱۱: ۳۸). این فرهنگ کانون تفکر بازدارندگی امام در برابر تهدیدات بود.

عناصر و گزاره‌های امنیت ملی و تهدیدات در تفکر رهبر معظم انقلاب

گفتمان رهبر معظم انقلاب در باب امنیت ملی و تهدیدات، بر پایه تحولاتی شکل می‌گیرد که نظام اسلامی در چند دهه حیات خویش در صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی با آن روبه‌رو می‌شود.

اولویت و ارجحیت امنیت بر شئون دیگر حکومت: مقوله «امنیت ملی» سرلوحه همه امور و شئون نظام اسلامی است؛ تا جایی که برای هدایت منابع و ظرفیت‌ها به سمت تأمین این بخش، یکی از شعارهای سال را «امنیت ملی و وحدت ملی» برمی‌گزینند:

امنیت ملی بسیار مهم است. البته امنیت ملی شامل امنیت داخلی و امنیت خارجی است. ... لذا امنیت چیز کمی نیست. اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه رشته‌های یک مملکت به تدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت پایه و اساس است (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۶):

عناصر مقوم و مولد امنیت ملی: در «گفتمان انقلابی و اسلامی امنیت» حفظ روحیه مردم، حفظ و استحکام تشکیلاتی دستگاه‌های حافظ امنیت و تقویت بنیه نظامی و دفاعی کشور عناصر کلیدی تأمین و حفظ امنیت کشور است: «وقتی که یک ملتی مورد تهدید دشمن قرار دارد، وظیفه حاکمیت در درجه اول حفظ امنیت آن ملت است. ... امنیت به انواع مختلفی حفظ می‌شود: یکی اش از طریق نظامی و تقویت نظامی است» (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۱/۱۹).

ایشان اقتدار دفاعی را یکی از عناصر اصلی بازدارنده تهدیدات دشمنان انقلاب

برمی‌شمارند:

قدرت دفاعی یکی از ارکان اقتدار ملی است. اگر برای اقتدار ملی ما لااقل سه رکن اصلی را در نظر بگیریم، ... یکی قدرت دفاعی است. قدرت دفاعی برای یک کشور حیاتی است، برای اقتدار یک ملت حیاتی است. اگر این قدرت دفاعی را ملتها نداشته باشند، آن کسانی که اهل تجاوز و تعرض و سوءاستفاده و دخالت کردن و دست‌اندازی به دیگر کشورها و ملتها هستند، که امروز نمونه‌هایش را دارید در دنیا می‌بینید، امریکا و بعضی از کشورهای دیگر، آن‌ها را راحت نمی‌گذارند (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۷/۲۱).

از این منظر، ضعف اقتدار نظامی جبهه سلطه‌گر را برای تجاوز و بسط نفوذ و سلطه‌جویی و سوسه می‌کند: «یک ملت برای اینکه قله‌های کمال مادی و معنوی و قله‌های عزت و شرافت را فتح کند، به امنیت و به آسودگی خیالی از تهاجم دشمنان احتیاج دارد. این سهم نیروهای مسلح است» (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۸/۱۳)؛

اصول امنیت ملی: رهبر معظم انقلاب به تأسی از تفکر بنیان‌گذار انقلاب در تبیین مؤلفه‌های اصلی امنیت ملی، علاوه بر اقتدار نظامی، بر اصولی نظیر اتحاد و هم‌بستگی ملی، استقلال و قدرت اقتصادی، ارتقای دانش و فناوری و درنهایت زنده نگه داشتن روح انقلابی و فرهنگ ایثار و شهادت‌طلبی تأکید می‌ورزند. وفاق و هم‌گرایی ملی، ولایت‌مداری، مشارکت عمومی، سامان‌دهی اقتصادی، اقتدار نظامی و دفاعی، قانون‌گذاری و قانون‌مداری، گسترش و تعمیق معارف دینی، جنبش نرم‌افزاری و تولید علم مؤلفه‌های امنیت‌ساز از منظر مقام معظم رهبری است؛

تقسیم امنیت به ابعاد مختلف: نظامی و انتظامی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... دسته‌بندی معظم‌له از ابعاد امنیت است (حسین‌خانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۳۰).

گزاره‌های تهدید علیه امنیت ملی در آرای رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب مؤلفه‌های تهدیدات مبتلابه امنیت و کیان نظام و جامعه اسلامی را این‌گونه بیان می‌فرمایند:

استحاله: تهدید ضد هویت اسلامی انقلاب از تهدیدات دائمی است که با استفاده از شیوه‌های مختلف به‌ویژه استحاله کردن دنبال می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۷، ج ۷: ۱۰۹)؛

تخریب ایمان مردم: «تخریب ایمان و باورهای کارساز مردم هدف دشمنان است و از آنجاکه مردم مؤمن و فداکار عامل پیروزی اسلام و ملت ایران است، دشمنان می‌خواهند این عامل را از بین ببرند» (همان، ج ۶: ۱۵۴)؛
ناامیدسازی: تلاش جبهه استکبار از ابتدا بر ناامیدسازی و بی‌اعتمادسازی مردم درباره انقلاب استوار بود:

بیشترین تلاش جبهه سیاسی استکبار ناامیدسازی ملت ایران است. ... این کار از طریق کوچک‌سازی دستاوردهای ملت، نادیده‌انگاری پیشرفت‌های ملت به‌انجام می‌رساند. جدایی‌افکنی میان گذشته هر نسل، دستاوردها و افتخارات آنان و بی‌ریشه کردن نسل‌ها و جداسازی ملت از دوران جنگ و نمادهای آن در همین چهارچوب قرار دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۵)؛

فرهنگ و کارزار جنگ نرم: از منظر رهبر معظم انقلاب، استراتژی ستیز غرب ضد انقلاب و نظام اسلامی به حوزه فرهنگ و افکار عمومی هدایت و جهت‌گیری کرده است؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر و با ظهور ابزارهای نوین ارتباط و فضای مجازی، حرکت پیچیده و پردامنه برای نفوذ و تغییر باورهای دینی و هنجارهای جامعه به‌جریان افتاده است: «دشمن می‌خواهد در همه محیط‌هایی که جوان‌ها حضور دارند، دشمن می‌خواهد جای پای از خود به‌جا می‌گذارد عقیده آن‌ها را به انقلاب و دین و امام برگرداند» (بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

بررسی آرای امامین انقلاب نشان می‌دهد که اندیشه‌های آن‌ها در حوزه امنیت و تهدیدات در حوزه‌هایی چون قائل شدن بر خدا و اسلام به‌عنوان مرجع امنیت و مباحثی چون اصول و اهداف امنیت نشان از نگاه مشترک و یک‌سان آن‌ها به این مهم دارد. امامین انقلاب با تفسیر موسع از عناصر امنیت‌زا و گونه‌های امنیت با ایجاد ارتباط وثیق میان امت و ملت، غایت و مقصد نهایی سعادت و پیامد امنیت را بسط اسلام و تشکیل امت واحد در گرو انسجام اسلامی می‌دانند. همچنین، در حوزه مناسبات اسلام به‌عنوان معیار و تراز ارتباط بین‌الدولی است، و هر فعلی که منجر به تضعیف یا هدم اسلام و شکست و گسست مسلمانان شود، محتوم به شکست است و حرمت دارد و هر فعلی که برای دفع تهدیدات و

خطرهای ناشی از یورش مخاصمان به اسلام و مسلمانان و قلمرو اسلامی باشد، پیروز است و دفاع از آن فریضه و تکلیف شرعی دانسته شده است.

نتیجه‌گیری

یکی از وجوه مشترک همه علمای قدیم و جدید حفظ کیان اسلام به‌عنوان مرجع امنیت است و پایه و اساس امنیت هم ایمان است. از دیگر جنبه‌های مشترک بین همه علمای اسلامی توجه به ابعاد سلبی و ایجابی امنیت است؛ یعنی صرف فقدان تهدید را برای وجود امنیت کافی نمی‌دانند.

از میان متقدمان، شهید اول قائل بر این است که نظامات سیاسی به‌مثابه وسایلی با مصالح تبعی هستند و احکام تابعی از حفظ مصالح خمس و در راستای تأمین امنیت است که با عباراتی چون حفظ دین، عقل، نسب و مال به‌عنوان پیامد امنیت و برای رفع تهدیدات متصور در حوزه‌های مقاصد یادشده است. شهید ثانی با بسط حوزه‌های تأمین امنیت ضمن اشتراک با شهید اول در حوزه‌های دین و امنیت دینی، امنیت امام و مسلمانان و امام امت را نیز جزو مقاصد امنیت ذکر، و تهدیدات ناشی از حوزه‌های فوق را در قالب گزاره‌های دفاعی و تحت عنوان دفاع از مسلمانان و کیان اسلامی تشریح کرده است.

شیخ عاملی با تفکیک میان جنگ و جهاد و حفظ تأکید بر دفع تهدیدات امنیتی مسلمانان در موضوعات مذکور در اندیشه شهیدین، بر تأمین امنیت حقوق شهروندی نیز به‌عنوان یکی دیگر از مصادیق امنیت تصریح کرده و دفع تهدیدات از حوزه سرزمینی و کیان اسلامی و تجاوز اجنبیان را به‌عنوان حکم تکلیفی و ضرورت و حتی در موارد متعددی واجب دانسته است. مرحوم آیت‌الله نائینی نیز با ایجاد تحول در حوزه امنیت‌پژوهی و تغییر روند مواجهه با مسائل امنیتی از شیوه رایج و دوگانه حاکمیت عادل و جائز، با جای‌گزین کردن عدالت و آزادی شهروندان به جای آن، حفظ بیضه اسلام را از اهم تکالیف و شؤون امامت دانسته و تحفظ از مداخله بیگانگان و فراهم کردن عدّه و عدّه لازم را برای مقابله با تهدیدات امنیت در حوزه سرزمینی و بیضه اسلام تجویز کرده است.

شهیدان مطهری و بهشتی با نگاهی موسع و جامع با نفی انگاره‌های قومیتی و نژادی و

تفوق جویی‌های سلطه‌گرایانه ناشی از آن‌ها، با جای‌گزینی امت به جای ملت، امنیت را به دو حوزه فردی و اجتماعی تقسیم، و بر مقولاتی چون عدالت، نفی تبعیض، پرهیز از جنگ و خشونت و نفی اصالت دادن به جنگ و خون‌ریزی به‌عنوان مبانی مقابله با تهدیدات ضد امنیت اشاره، و از باب قاعده نفی سبیل، بر لزوم مقابله با دشمنان و آمادگی همه‌جانبه، تقوا و جهاد دفاعی، بصیرت و آگاهی مسلمانان در امر دفع تهدیدات تصریح کرده‌اند.

حضرت امام خمینی^{ره}، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، با نگاهی فراگیر و فراتر از دسته‌بندی‌های رایج در ابواب و کتب فقهی، با ارائه طرحی نو، پیش‌گام تحول در حوزه امنیت‌پژوهی و نگاه موسع به این موضوع شدند. اگرچه واژه امنیت و تهدیدات از نظر ظاهری در آثار فقهی امام یافت نمی‌شود، ایشان با تأکید بر حفظ اسس و اساس اسلام و نظام اسلامی به‌عنوان اوجب واجبات، امنیت را ضامن بقای اسلام و اسلام را مولد و مسلمانان را مقوم امنیت و نفی ظلم و بندگی طواغیت، استکبارستیزی و حمایت همه‌جانبه از مسلمانان را به‌عنوان معیارهای اساسی امنیت‌زا معرفی کرده‌اند. ایشان با دسته‌بندی مباحث و تهدیدات ناشی از آن در حوزه‌های فردی و اجتماعی ذیل کتاب امر به معروف و نهی از منکر تحت احکام دفاع، با اشاره به ابعاد مختلف امنیت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دفاعی و فرهنگی، هرگونه استیلای دشمن در حوزه‌های یادشده را مذموم و مقابله برای رفع آن‌ها را در مواردی واجب و در مواردی تابع مصالح واجب یا مستحب دانسته و کیفیت و جوب را نیز مشخص کرده‌اند.

مقام معظم رهبری و ولیّ امر مسلمین جهان که ملهم از جهان‌بینی توحیدی و الهی و تربیت‌یافته مکتب فقه‌ای امام خمینی^{ره} هستند، در عین اهتمام به فقه جواهری، با نگاهی حکیمانه شاید از معدود فقهای باشند که به‌صورت ویژه با تبیین شقوق و زوایای مختلف امنیت و تهدیدات مرتبط با آن، به‌وضوح در این موضوع به نظریه‌پردازی شهره شده‌اند. ایشان ضمن تعریف امنیت به نبود تهدید و سلامت دین و جان و رفاه مردم، امنیت را فارغ از حوزه‌های فردی و اجتماعی آن در ابعاد مختلف سیاسی، دینی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و اطلاعاتی دسته‌بندی و مرجع تأمین امنیت در آن‌ها را در گرو ایمان به خدا، همراهی و همدلی مردم از طریق بسیج عمومی و اتحاد و هم‌بستگی ملی

می‌دانند. معظم‌له منشأ تهدیدات را در دو دسته داخلی و خارجی بررسی کرده و مسائلی چون محاربه و بغی و تروریسم داخلی را به‌عنوان تهدیدات داخلی، و حمله مسلحانه و تجاوز و یورش دشمنان به قصد هدم و حذف بیضه اسلام و دین و انقلاب اسلامی را تهدیدات خارجی می‌دانند.

محورها	گزاره‌های فقهی امنیت و تهدید در اندیشه برخی از متقدمین، معاصرین و امامین انقلاب
مرجع، غایت، هدف و ابعاد امنیت و تهدید	بنیان اصلی امنیت توسط فقهای شهید مکی عاملی - شهید اول - و احمد عاملی - شهید ثانی - با تأکید بر حفظ مصالح خمس در کتایب‌اللمعه الدمشقیه و الروضه البهیة پایه‌گذاری شد. شهید اول با تأکید بر وجوب حفظ دین، عقل، نسب و مال، حفظ آنها را مقصد و غایت امنیت دانسته و مرجع تأمین آن را در تقرب به خدا و دین یاد نموده‌اند. از منظر آنها هدف از امنیت، حفظ اسلام و ایمان به خداست. شهید ثانی با بسط این نظر، با طرح جهاد دفاعی هر عامل و فعلی را که موجب اضرار به مصالح خمس شود و به هدم و نابودی اسلام و کتبان مسلمین در بلاد متعدد بیانجامد، تهدید علیه امنیت دانسته و دفع آنها را ضروری می‌داند. از منظر شهیدان مطهری و بهشتی مرجع امنیت همانا تقرب به خدا و حفظ دین است و هدف، تأمین امنیت شهروندان مسلمان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی است. حضرت امام خمینی و رهبر معظم انقلاب با نگاهی فراملیتی و موسع از امنیت و تهدیدات و پیوند ملت با امت، علاوه بر وحدت نظر در مرجع، غایت و اهداف امنیت یا فقهی پیش‌گفته، ضمن برشماری گونه‌های تهدید در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی، عقیدتی و اجتماعی، وحدت و همبستگی ملت را در کنار حفظ نظام به عنوان آن و اساس امنیت، لازمه قوام آن دانسته‌اند.
وجوه افتراق و اشتراک	تقرب و ایمان به خدا، تقوا و اسلام به عنوان مرجع تأمین امنیت و دوری از خدا به عنوان مرجع تهدید، قدر مشترک آرای فقهی متقدمین، اندیشمندان معاصر دینی و امامین انقلاب است. تحفظ سرزمینی و دفع تجاوز اجنبی چه در امنیت فردی و چه جمعی مورد تأکید عموم آنهاست؛ تفاوت عمده آنها در رویکرد و نوع نگاه آنها به مسائل مستحدثه و اختصانات عصر خویش است که در عین تأکید و تداوم اصول امنیتی مانند توحید، ایمان و تقوا، بیشتر در مسائل ناظر به امنیت جمعی و اجتماعی است که در مقولاتی مانند: حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی، فرهنگی و یا سایر شقوق آن جلوه‌گر شده و مطابق اندیشه امامین انقلاب، از آنها به عنوان تهدید نیمه سخت و نرم در کنار تهدیدات سخت یاد شده است.

جدول شماره ۱. رویکرد فقها به گزاره‌های امنیت و تهدید
(منبع: یافته‌های پژوهش)

پیشنهادها

باتوجه به ضرورت و نیاز جهان اسلام به منشور جهانی امنیت و مقابله با تهدیدات بر اساس گزاره‌های فقهی و دینی، مراکز و مراجع علمی به‌ویژه حوزه‌های علمیه باید با تدوین منشور و دکترین فقهی امنیت، یکی از ملزومات فلسفه کارآمدی دین در عصر پرچالش امروز را که حلقه گم‌شده معماری نظام‌های نوین اسلامی است تکمیل کنند.

کتابنامه

- بیانات آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، دسترسی در: Khamenei.ir.
ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۹). معانی الاخبار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
_____ (۱۳۹۲). من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

احمدزاده، ابوالفضل (۱۳۹۶). «نظم و امنیت در فقه شیعه به مثابه قاعده فقهی و حقوقی»، مطالعات راهبردی ناجا، س ۲، ص ۹۵-۱۱۹.

اخوان کاطمی، بهرام (۱۳۸۶). «امنیت و ابعاد آن در قرآن»، مطالعات اسلامی، ش ۷۵، ص ۱۱-۳۸.

_____ (۱۳۸۸). «گفتمان عدالت در دولت نهم»، معرفت سیاسی، س ۱، ش ۲، ص ۱۹۵-۲۴۳.

ازغندی، علی‌رضا و مجید کافی (۱۳۹۱). «بررسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نظریه‌ساز انگاری»، علوم سیاسی، س ۸، ش ۲۱، ص ۲۰۵-۲۳۲.
افتخاری، اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی شده: رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

انصاری، مرتضی بن محمد (۱۳۷۸). کتاب المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۸). «مرجع امنیت در اندیشه سیاسی و امنیتی رهبر معظم انقلاب (عجالت‌الله)»، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، س ۸، ش ۲۹، ص ۲۵-۶۲.
بوزان، باری (۱۳۸۷). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پورسعید، فرزاد (۱۳۹۱). «امام خمینی (ع) و مدیریت نرم دفاع ملی (مطالعه موردی: جنگ تحمیلی)»، مطالعات راهبردی، س ۱۵، ش ۵۷، ص ۷-۳۰.
حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، مؤسسه آل‌البتیت (ع) لاحیاء التراث.

حسن‌پور، محسن و دیگران (۱۳۹۷). «کاربست قاعده فقهی و حقوقی لا ضرر ولا ضرار در راستای امنیت ملی، حقوق شهروندی و توسعه گردشگری»، جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، س ۹، ش ۱، ص ۱۶۱-۱۸۳.

حسینخانی، نورالله (۱۳۹۲). مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.

حسینی تاش، سیدعلی و قادرعلی واثق (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، س ۳، ش ۸، ص ۷-۲۸.

واکاوی گزاره‌های «امنیت ملی» و «تهدیدها»... - سلمان شایان‌فر (۲۲۴-۱۹۴) / ۲۲۱

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴). اجوبة استفتائات، تهران، الهدی.

_____ (۱۳۷۷). حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۱). «انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن در رویکردی نظری»، اندیشه انقلاب اسلامی، س ۱، ش ۱، ص ۵۷-۸۰.

خسروی، علیرضا (۱۳۹۱). مکتب امنیتی امام خمینی (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)، تهران، ابرار معاصر.

خلیلی، رضا (۱۳۹۹). «تحول گفتمانی حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، س ۲۳، ش ۹۰، ص ۷-۴۸.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴). تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۹۲). مفردات الفاظ القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه.

رهبر، عباس علی و فرزاد سوری (۱۳۹۵). «دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی»، دولت‌پژوهی، س ۲، ش ۵، ص ۱۰۱-۱۳۴.

زرگر، علیرضا و اسدالله یازوکیان (۱۳۹۸). «واکاوی و تحلیل امنیت و مؤلفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام»، امنیت‌پژوهی، س ۱۸، ش ۶۵، ص ۹۷-۱۳۰.

ساعد، نادر (۱۳۹۰). «پژوهش در حقوق امنیت ملی: مبناها و کاربردها»، آفاق امنیت، س ۴، ش ۱۱، ص ۸۳-۱۰۲.

سبحانی‌فر، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۳). اندیشه‌های دفاعی فرمانده معظم کل قوا با نگرشی بر مکتب دفاعی اسلام، تهران، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع).

شبان‌نیا، قاسم و مهدی جهان (۱۳۹۹). «چالش‌های ساختار امنیت بین‌الملل و راهکارهای فقه اسلامی»، معرفت، س ۲۹، ش ۲۷۹، ص ۵۷-۶۹.

شریعت‌مدار جزایری، سیدنورالدین (۱۳۷۹). «امنیت در فقه سیاسی شیعه»، علوم سیاسی، س ۳، ش ۳، ص ۵-۳۱.

ابن مکی عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعية فی فقه الامامیه، قم، جامعه مدرسین.

_____ (۱۴۱۷ق). القواعد و الفوائد، قم، مفید.

عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۸). الروضة البهية في شرح المعية دمشقي، قم، داوری. _____ (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، قم، مؤسسة المعارف الاسلاميه.

صرامی، سيف‌الله (۱۳۹۷). «ماهیت فقهی امنیت: حق یا حکم؟»، فقه حکومتی، س ۳، ش ۵، ص ۴۹-۷۲.

طاهری خرم‌آبادی، سیدحسین (۱۳۸۰). جهاد در قرآن، قم، بوستان کتاب.

طباطبایی بروجردی، آقاحسین (۱۳۸۸). منابع فقه شیعه، تهران، فرهنگ سبز.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴). «ماهیت و چیستی‌شناسی "فقه امنیت" و "فقه امنیتی"»، فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، س ۲۰، ش ۴، ص ۵-۲۶.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر.

فرامرزی، حسن (۱۳۹۷). «امنیت و عوامل تهدیدکننده آن در آموزه‌های اسلامی»، چهارمین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.

فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۹). اندیشه امنیتی از منظر امام خمینی علیه السلام، تهران، دفتر مکتب و اندیشه دفاعی.

فوکو، میشل (۱۳۷۷). ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس.

قیصری، نورالله (۱۳۹۲). «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان»، نشریه علمی دانش سیاسی، س ۹، ش ۱، ص ۴۵-۶۲.

کاوینی، محمدهادی (۱۳۹۸). «امنیت ملی در قرآن کریم»، مدیریت سرمایه اجتماعی، س ۶، ش ۳، ص ۳۷۵-۳۹۴.

کریمی مله، علی و دیگران (۱۳۸۹). «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام»، پژوهشکده مطالعات راهبردی، س ۱۳، ش ۴۹، ص ۸۳-۱۱۰.

کریمی مله، علی (۱۳۸۳). «تأملی معرفت‌شناسانه در مسأله امنیت ملی از نگاه امام خمینی علیه السلام»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۷، ش ۲۶، ص ۶۹۷-۷۱۸.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

لکزایی، شریف (۱۳۸۰). آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری و آیت‌الله بهشتی، قم، بوستان کتاب.

واکاوی گزاره‌های «امنیت ملی» و «تهدیدها»... - سلمان شایان‌فر (۱۹۴-۲۲۴) / ۲۲۳

لک‌زایی، نجف (۱۳۹۰). «فقه و امنیت»، فقه، س ۱۸، ش ۷۰، ص ۴۵-۸۶.
_____ (۱۳۹۲). «دیدگاه امنیتی شیعه با تأکید بر اندیشه آیت‌الله شهید بهشتی»،

فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، س ۱۱، ش ۴۱، ص ۷-۴۰.
لک‌زایی، نجف و هادی حاج‌زاده (۱۳۹۳). «بررسی امنیت اقتصادی افراد از خلال قواعد فقه امامیه با نگاهی به مرجع امنیت»، دانشنامه حقوق اقتصادی، س ۲۱، ش ۶، ص ۱۲۳-۱۴۲.

ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمودی، فاطمه (۱۳۹۲). دفاع مشروع از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و فقهای شیعه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). آزادی معنوی، قم، صدرا.

_____ (۱۳۸۹). مجموعه آثار، قم، صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۰). تحریر الوسیله، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

_____ (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۸۸). کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۹۳). وصیت‌نامه سیاسی-الهی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

_____ (۱۳۹۴). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه نشر عروج.

موسوی، سیدسعید و دیگران (۱۳۹۹). «مرجع امنیت ملی در اندیشه فقهی آیت‌الله خامنه‌ای»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۳۳، ص ۱۳۱-۱۵۳.

میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۴). «نسل‌ها، گفتمان‌ها و امنیت: چارچوبی فرهنگی برای امنیت در ایران»، مطالعات راهبردی، س ۱۸، ش ۶۸، ص ۵۷-۸۴.

نائینی، علی‌محمد (۱۳۸۸). «ابعاد تهدید نرم در استراتژی امنیت ملی امریکا»، مطالعات عملیات روانی، س ۶، ش ۲۱، ص ۲۴-۶۰.

نائینی، محمدحسین (۱۳۸۲). تنبیه الأمة و تنزیه المله، قم، بوستان کتاب.

Buzan, Barry (1991). "New Patterns of Global Security in the Twenty-First Century",

International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944), 67 (3), p. 431-451.

Mathews, Jessica Tuchman (1989). "Redefining Security", *Foreign Affairs*, 68 (2), p. 162-177.

Walt, Stephen M. (1987). *The Origins of Alliance*, Ithaca, Cornell University Press.

